

پسری بعد از جشن عروسی کنار پدرش کشته شد

رد پای یک دختر در

جنایت ۴ مرد شمشیرزن

۴ دوست در حمله شبانه به خودروی پسر جوان، وی را مقابل چشمان پدرش و با ضربات شمشیر و قمه به قتل رساندند. این مردان شمشیرزن برای دومین بار پای میز محاکمه ایستادند و مدعی شدند نمی دانند چه کسی ضربه کاری را به قربانی وارد کرده است.

همین اصرار آنها باعث شد هر چهار متهم در دادگاه قبلی از قصاص رهایی یابند و به زندان، دیه و تبعید محکوم شوند که دیوان عالی کشور این حکم را نقض کرده است.

بازگشت شوم از جشن عروسی

شامگاه ۲۲ دی سال ۹۸ وقتی امیر ۳۰ ساله و پدرش سوار بر پراید از جشن عروسی به خانه‌شان باز می‌گشتند مورد حمله ۴ مرد پژو سوار گرفتند مردان مهاجم که همگی شمشیر و قمه در دست داشتند به سمت امیر حمله‌ور شدند و وی را با ضربات متعدد از پای آوردند.

پدر امیر که شاهد جنایت شبانه بود بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس

گرفت اما امیر قبل از رسیدن اورژانس تسلیم مرگ شد.

نظریه دوپهلوی پزشکی قانونی

جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان جای بریدگی‌های متعدد روی بدن قربانی را تأیید کردند اما آنها اعلام کردند مشخص نیست علت تامه مرگ کدام یک از ضربه‌ها بوده و امیر به خاطر شدت خونریزی ناشی از جراحات جان سپرده است.

تحقیق از پدر قربانی جنایت

پدر امیر در بازجویی‌ها به مأموران گفت: من و پسر آن شب از جشن عروسی یکی از دوستانم به خانه برمی‌گشتم که متوجه شدیم یک پژو در تعقیب‌مان است. پسر من می‌گفت راننده و سرنشینان پژو از دوستان او هستند که از قبل با آنها اختلاف داشته است.

مرد سالخورده ادامه داد: من به پسر من گفتم به راننده اهمیتی ندهد و به شمشیرزده‌ها بگویم که اینها پژو پیکارهای مسیرمان را بیست و ۴ مرد پژو سوار در حالی که قمه و شمشیر در دست داشتند

به ما حمله کردند. آنها مقابل چشمانم بی‌رحمانه پسر مرا کشتند و گریختند.

ردیابی چهار مرد شمشیرزن

به دنبال اطلاعاتی که این مرد به مأموران داده بود صاحب پژو و ۳ همدستش ردیابی و بازداشت شدند. در بررسی‌ها مشخص شد آنها از دوستان امیر بودند و به خاطر یک دختر با وی اختلاف داشتند. اختلاف دنباله‌دار آنها از مدت‌ها قبل شروع و بارها به زد و خورد ختم شده بود.

متهمان همگی به درگیری با امیر اعتراف کردند و پای میز محاکمه ایستادند.

اولین دادگاه

در اولین جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. هر چهار متهم گفتند قبول داریم با امیر درگیر شدیم و به او ضربه زدیم.

در پایان جلسه و در حالی که پزشکی قانونی اعلام کرده بود ضربه کشته‌دهی که به قربانی وارد شده مشخص نیست از سوی کدام متهم و به کدام ناحیه از بدن قربانی وارد شده، قضات دادگاه چهار متهم را به پرداخت دیه، ۱۰ سال زندان و



۲ سال تبعید محکوم کردند. اما اولیای دم به حکم صادره اعتراض کردند. به این ترتیب پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات عالی‌رتبه دیوان عالی کشور تا چهارم رضایت داده اما برای هادی که متهم ردیف اول است قصاص خواسته و اعلام کرده حاضر به گذشت نیست. سپس متهمان یک به یک در جایگاه ویژه ایستادند. ویرام و مه‌ران نیز یک به یک به نخستین متهم هادی بود که روبروی قضات ایستاد و گفت: من و امیر به خاطر یک دختر با هم اختلاف داشتیم و قبلاً چند بار با هم درگیر شده بودیم. به همین خاطر من و دوستانم تصمیم

کرده‌اند تا مشخص نشود کدام یک قاتل اصلی است. در این سال‌ها ۴ متهم رضایت پدر قربانی را جلب کرده‌اند. مادر قربانی نیز به متهمان ردیف دوم و چهارم رضایت داده اما برای هادی که متهم ردیف اول است قصاص خواسته و اعلام کرده حاضر به گذشت نیست. سپس متهمان یک به یک در جایگاه ویژه ایستادند.

فرید، ویرام و مه‌ران نیز یک به یک به دفاع پرداختند. آنها نیز مدعی شدند ضربه کاری را به قربانی زده‌اند و چند ضربه فقط به پا و دست او وارد کرده‌اند. در پایان جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

این دختر به پلیس پناه برد

یک خواستگاری در دسر ساز



پدر و مادری شتابان و نگران وارد اتاق مشاوره کلانتری ۱۲ قائم (عج) یزد شدند و گفتند که دخترشان آبرویشان را برده و از رفتارها و تصمیم‌های دخترشان خسته شده‌اند.

پناه بردن به پلیس

این در حالی بود که دختر جوانشان نیز به خاطر بدرفتاری‌های پدر و مادرش فرار کرده بود و به پلیس پناه آورده بود و روی صندلی و با فاصله از پدر و مادرش نشسته بود و لبخند تحقیرآمیزی به حرف‌های پدرش می‌زد.

آبرویم رفته!

پدر وقتی دخترش را در اتاق مشاوره دید آرام شد و شروع به صحبت کرد و گفت: دخترم آبروی چندین ساله ما را برد، برایش از هر لحاظ که تصور کنید، هیچ چیز کم نگذاشتیم، اما همین دختر بدترین بی‌لار را بر سرمان آورده طوری که از هر چیزی بی‌خبرتر است و نمی‌داند چطور با او برخورد کنیم. ۳ سال پیش متوجه شدیم که در پارک با پسری آشنا و دوست شده بود باور این موضوع برایشان سخت بود آن هم دختری که بین همه فرزندانیمان بیشترین کارها را برایش انجام دادیم. این مسأله در خانواده ما موضوع خیلی مهمی است و مخالف این روابط و آزادی هستیم. این روند همچنان ادامه داشت تا کم توانستیم این اتفاق را با کنترل کردن مدام رفتارها، گرفتن گوشی و رفت و آمد هایش مدیریت کنیم که مبادا این اتفاق تکرار شود.

رد کردن خواستگار

اما چیزی که از آن می‌ترسیدیم سرمان آمد؛ حدوداً یک سال و نیم پیش خواستگاری از طرف مادر بزرگ همسر برای دخترمان آمد که ابتدا مخالف بودیم اما به خاطر مادر بزرگ اجازه دادیم و براین اساس چند جلسه با خانواده خواستگار رفت و آمد کردیم و در این آشنایی و جلساتی که داشتیم به نتیجه رسیدیم که این ازدواج به صلاح دخترمان نیست. این آشنایی زمان زیادی برد و در این مدت دخترم به این خواستگار وابسته شده بود و اصرار می‌کرد که این پسر را می‌خواهد. می‌گفت اگر مخالفت کنید از این خانه فرار می‌کنم چرا که به خواسته‌های من توجهی نمی‌کنید، ابتدا اصلاً این خواستگار را نمی‌خواستیم و شما توجهی نکردید و حالا که من دوستش دارم و می‌خواهم با او زندگی کنم، مخالفتی.

من و همسر به صحبت‌هایش اهمیتی ندادیم از این جهت که سنش پایین و هنوز خام است و خیلی از موضوعات را نمی‌تواند درک کند... بنابراین خواستگار را جواب کردیم و مسأله از دید ما خاتمه پیدا کرد.

پیامک‌های پنهانی

اما ظاهراً این مسأله بین دخترم و آن خواستگار ادامه داشته و ما از همه جا بی‌خبر بودیم. در حال حاضر ده ماه می‌گذرد که متوجه شده‌ایم با یکدیگر به صورت پیامکی، تلفنی و حضوری در ارتباط بوده‌اند، این ارتباط به جایی رسیده بود که آن پسر، دخترم را به خانه‌اش دعوت کرده و دختر خام من هم قبول کرده و این مسأله را با چک کردن گوشی دخترم و محتوای پیام‌هایی که رد و بدل کرده بودند متوجه شدیم و حتی از همین محتوای پیام‌ها متوجه شدیم زمانی که دخترم به خانه آن پسر رفته مادر آن پسر هم حضور و اطلاع داشته است اما دخترمان این موارد را انکار می‌کند و می‌گوید هیچ اتفاقی بین ما نیفتاده و شما بدبین هستید.

به مرور زمان از سعید خوشم آمد و دقیقاً همان موقع پدرم مادم سعید را بدون توجه به نظرم جواب کردند در حالی که ما به هم وابسته شده بودیم و به دلیل کمبودهای خانوادهم پنهانی با هم ارتباط داشتیم، در حالی که هیچ اتفاقی بین ما نیفتاده است اما خانوادهم باور نمی‌کنند.

کتک زدن دختر توسط پدرش!

بعد از این موضوع چوری دخترم از چشم افتاده که می‌خواهم هیچ وقت نبینم یا به بهزیستی تحویلش بدهم، دوباره به بندت کنکش زدم و گوشی را برای همیشه از او گرفتم و گفتم بدون همراهی من با مادرش اجازه بیرون رفتن از خانه را ندارد. دخترم به خاطر این پسر و راهم‌هایی‌های اشتباه او دوبار از خانه فرار کرده است و حتی یکبار نتهایی به کلانتری رفت و با بیان اینکه در خانه امانیت جانی ندارد بی‌جهت قصد شکایت از ما را داشت که مسأله ختم بخیر شد.

خلاصه دخترم مخالف عقاید و تصمیمات من و مادرش است و مدام می‌گوید من می‌خواهم با او زندگی کنم و شما نباید دخالت کنید، ما نگران آینده دخترمان و خودمان هستیم.

سکوت دختر شکست

المیرا پس از صحبت‌های پدرش سکوت را شکست و گفت: از وقتی که دختر بچه کوچکی بودم و یاد می‌آید همیشه در خانه‌مان دعا بود. من و خواهر و برادرم هیچ راه فراری نداشتیم، گوشه‌ای کز می‌کردیم و به سرنوشت‌هایمان فکر می‌کردیم. دقیقاً روزهایی که دوستانم در حال عروسی بازی و شادی بودند، من دائماً درگیر دعواهای خانوادگی بودم و حالا که بزرگ شده‌ام هنوز هم آن روزهای سیاه را به خاطر می‌آورم.

مادرم را دوست ندارم!

خانوادهم را بخصوص مادرم را دوست ندارم، آنها مدرک نمی‌کنند، همیشه به من توضیح می‌کنند و من از حرف‌های تکراری آنها خسته شده‌ام. نمی‌گذارند من با دوستانم بیرون بروم و هر لباسی که دوست دارم بپوشم. خیلی به من سخت می‌گیرند در حالی که احساس می‌کنم در خانه زندانی شده‌ام. مادرم پسر دوست است و مدام من را با برادرم مقایسه می‌کند و حتی به زبان هم آورده و گفته خود دختر من نیستی بپردارت بهتر از دوست. پدرم قبیل از این روابط اصلاً اجازه نمی‌داد با دوستانم به تفریح بروم. پدر و مادر می‌گویند همه کاری برای من انجام داده‌اند اما در واقع کاری برای من انجام نداده‌اند. من قصد ازدواج نداشتم و این موضوع را به پدرم گفتم اما آنها باز اصرار کردند و سعید به خواستگاری آمد ابتدا جواب منفی بود اما

خبر ویژه

سرقت‌های مسلحانه خودروهای باری در جنوب تهران

باند سارقان حرفه‌ای که با شلیک اقدام به سرقت محموله‌های باری می‌کردند دستگیر شدند.

سرهنگ محمد قاسم طهرانی رئیس پلیس شهرداری گفت: اسفند ماه سال گذشته یک خودروی نیسان باری حاوی قطعات مکانیکی در موقعیت حسن‌آباد فشافویه در حال تخلیه بار بوده که یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ خلاف جهت مقابل خودروی نیسان توقف کرده و پس از پیاده شدن پنج نفر با در دست داشتن یک قبضه اسلحه شکاری اقدام به تهدید و تیراندازی به سمت راننده خودرو کرده و خودروی نیسان حاوی متواری می‌شوند.

وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع، پرونده در کلانتری تشکیل و سپس به پلیس آگاهی این فرماندهی ارجاع گردید و تحقیقات فنی و تخصصی کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت آغاز شد. در بررسی‌های فنی و تخصصی صورت گرفته هویت یکی از سارقان با به‌کارگیری اقدامات خاص و استفاده از تجهیزات خاص پلیسی شناسایی شد.

سرهنگ طهرانی بیان کرد: وقوع چند سرقت مشابه از شهرک صنعتی فشافویه مبنی بر سرقت حدوداً ۲۰ میلیارد ریال قطعات مسی به این شیوه و شگردها، توجه کارآگاهان پلیس آگاهی را به خود جلب کرد و در بررسی صحنه جرم و سرنسخ‌های بچا مانده از سارقان هویت تعدادی از آنها مشخص شد.

فرمانده انتظامی شهرستان ری اظهار کرد: سرانجام پس از تعقیب و مراقبت شبانه‌روزی و انجام هماهنگی‌های لازم، با تعداد ۲۵ خردادماه سال جاری عوامل عملیات پلیس آگاهی این فرماندهی به همراه عوامل تجسس کلانتری‌های تابعه به هفت موقعیت برای دستگیری اعزام و سپس در چند عملیات ترسیمی هفت متهم در مخفیگاه‌هایشان در نقاط مختلف شهرستان ری و شهرهای همجوار دستگیر و چهار قبضه سلاح بادی، یک دستگاه خودرو و دو دستگاه موتورسیکلت مورد استفاده در ارتکاب جرائم کشف و به مقر پلیس منتقل شدند. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه متهمان در ابتدا منکر بزه انتسابی شدند اما پس از مواجهه با ادله و مستندات پلیسی به بزه ارتکابی و چهار فقره سرقت مسلحانه معترف شدند و مالباختگان پس از شناسایی به پلیس آگاهی دعوت و پس از تکمیل پرونده و انجام تحقیقات تخصصی به دادسرای شهرداری اعزام شدند. سرهنگ طهرانی با بیان اینکه امنیت و آرامش مردم خط قرمز پلیس می‌باشد، تصریح کرد: شهرستان ری نقطه امنی برای جولان سارقان و هنجارشکنان نیست و قاطعانه برابر قانون با این‌گونه افراد برخورد خواهد شد.

قتل همسایه به خاطر پول شارژ

مرد جوان بعد از درگیری با همسایه خود به خاطر پول شارژ ساختمان و سرو صدای آنها به کام مرگ فرو رفت و پرونده قتل او نزد بازپرس جنایی گشوده شد. به گزارش «ایران»، بعد از ظهر جمعه ۲۶ خرداد امسال مرد ۳۰ ساله با جراحات در قفسه سینه به یکی از بیمارستان‌های جنوب شهر تهران مراجعه کرد اما ساعتی بعد به دلیل شدت جراحت وارد شده جان خود را از دست داد. به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار محمد جواد شفیعی، بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و این در حالی بود که همراه متوفی در اولین تحقیقات اعلام کرد که ساعتی قبل از حادثه او با یکی از همسایگان محل زندگی‌شان درگیری داشته است. تحقیقات از همسایگان خانه مقتول واقع در محله پیرانک آغاز و مشخص شد، مقتول با همسر خود در طبقه اول ساختمان ساکن بودند و از تلاش مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران سر مسائلی چون پرداخت شارژ ساختمان و سرو صدای درگیری داشته و چند بار جر و بحث کرده بودند. همسایه‌ها در جریان تحقیقات ادعا داشتند که روز حادثه در ساعتی قبل از انتقال مقتول به بیمارستان باز هم سرو صدای درگیری متوفی را با همسایه خود شنیده‌اند. یکی از همسایه‌ها گفت: «این بار درگیری دو همسایه‌مان به خاطر اعتراض همسایه پایی به سرو صدای همسایه بالایی بود. متوفی می‌گفت که همسایه بالایی خانه را برای خودش و خواهرش اجاره کرده و شارژ ۲ نفر را پرداخت می‌کند اما ۲ خواهر دیگرش همیشه در

این خانه ساکن هستند و در واقع ۴ نفر زندگی می‌کنند. او می‌گفت همسایه باید شارژ ۴ نفر را بدهد و همچنین به سرو صدای آنها اعتراض داشت. روز حادثه وقتی داخل پارک ساختمان بحث آنها بالا گرفت، من هم به راهرو رفتم و در یک لحظه دیدم که همسایه بالایی با جسمی ضربه‌ای به قفسه سینه متوفی زد، اما حرکت او به حدی سریع بود که درست متوجه نشدم آن شیء چه چیزی بود. شاید چاقو بود.» همسر مقتول نیز در تحقیقات گفته بود، وقتی او به خانه آمد گفت حالش خوب نیست و نیم ساعت بعد در حالی که حالش وخیم شده بود به بیمارستان منتقل شد و روی قفسه سینه‌اش هم جراحی ایجاد شده بود که خونریزی این زخم در نهایت سبب مرگ مرد جوان شد. به این ترتیب بازپرس جنایی دستور بازداشت مرد همسایه به نام وحید ۲۵ ساله را صادر کرد و او را تلاش مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به سرعت شناسایی و دستگیر شد. متهم در برخورد ابتدایی با پلیس منکر وارد کردن گونه ضربه‌ای به همسایه خود شده و گفت: «روز حادثه باز هم با همسایه‌مان بحثم شد. چند ماه می‌شد که خانه‌ها را اجاره کرده بودیم و او بی‌جهت با من درگیری می‌شد. روز حادثه خیلی عصبانی بودم اما نه چاقویی داشتم و نه هیچ جسم برنده دیگری در دستم بود. من به متوفی ضربه‌ای وارد نکردم و زمانی که او در حال رفتن به آپارتمان خود بود حال مساعدی داشت. نمی‌دانم بعد از آن چه اتفاقی برایش افتاد که موجب مرگ او شد.»

سرقت مسلحانه

از خانه زن تنها

علی زنجکشی، زن آبادانی تنها بود که مردان غریبه با در دست داشتن اسلحه وارد خانه‌اش شدند. به گزارش «ایران»، روز ۱۷ خرداد ماه اسمال زن جوان که به تنهایی در خانه‌ای در منطقه سلج شرفی آبادان زندگی می‌کرد در خانه نشسته بود که ناگهان ۲ مرد با در دست داشتن اسلحه وارد خانه‌اش شدند و اقدام به سرقت لوازم باارزش کوچک از خانه زن تنها کردند.

زن تنها که شوکه شده بود پس از فرار سارقان مسلح پلیس را در جریان این سرقت مسلحانه وحشت‌آور قرار داد و با توجه به حساسیت پرونده تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی آبادان برای شناسایی سارقان مسلح وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست تحقیقات به تحقیق از زن تنها پرداختند که به مأموران گفت: در خانه بودم که ناگهان متوجه حضور ۲ مرد در حیاط خانه شدم و تا خواستم برای کمک فریاد بکشم مردان ناشناس اسلحه را به سمت گرفتند که سکوت کردم و آنها پس از سرقت لوازم با ارزش خانه

